

تبیین گفتمان سنت و تجدد و تاثیر آن در شکل گیری معماری معاصر ایران (نمونه مور مطالعه: تأثر شهر و برج آزادی)

شیما قارداشی^{1*}، علیرضا خضریان²

1- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، پست الکترونیکی: shima.ghardashi1990@gmail.com

2- عضو هیات علمی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، پست الکترونیکی: alirezakhezryan@yahoo.com

چکیده:

تغییرات در معماری ایران در زمان قاجار و گرایش پیدا کردن معماری به سمت و سوی معماری غرب، به صورت یکپارچه و همگن رخ نداده است و این امر، شامل همه اقشار در جامعه نمی‌شود؛ بلکه در ابتدا نمود اصلی معماری غرب، در قصر شاهان بود و بعدها در طبقه اشراف و ثروتمندان بروز یافت. معماری ایران از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی دچار بی نظمی شد در این دوران، ساختمان‌هایی شکل گرفتند که هر کدام حاصل تلفیق و پیوند دوره‌های مختلف تاریخی بودند. از زمانی که ارتباط ایران با اروپا به طور مستقیم برقرار شد و سلاطین و بزرگان قاجار به طور مستمر راهی اروپا شدند، اولین تغییرات در نحوه تفکر معماران و دیگر هنرمندان شروع شد. «تجدد» به عنوان «تفکر درباره‌ی طبیعت و ماهیت دوران جدید» و درک مفهومی آن به طور اساسی و بنیادی از اندیشه‌ی ایرانیان غایب است. تجدد (مدرنیته) مهم‌ترین موضوعی است که عرصه اندیشه و عمل انسان را در بخش‌های وسیعی از جهان در سده اخیر را، زیر سیطره خود داشته است. از این رو هدف کلی این پژوهش، نمایاندن تأثیر گفتمان سنت و تجدد در معماری معاصر ایران است. با توجه به مطالب عنوان شده دو پرسش مطرح می‌شود، ابتدا اینکه، تأثیر تجدد طلبی بر سنت معماری ایران تا چه اندازه می‌باشد؟ و دیگر اینکه، گفتمان سنت و تجدد منجر به بیان چه معانی و رهیافتی در معماری ایران شده است؟ بنابراین نوع روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی می‌باشد که از نظر شیوه‌ی نگرش و پرداختن به مسئله تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. از نتایج این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که، فصل مشترک شکل گیری بناهای برج آزادی و تأثر شهر، اندیشه‌ی متجدد معماران آنها است، که سعی آنها بر تداوم روحیه‌ی موجود در معماری گذشته با بیانی مدرن بوده است.

کلیدواژگان: سنت، تجدد، تأثر شهر، برج آزادی

1- مقدمه:

سنت گرایی پدیده‌ای مدرن است. آن زمان که ترکش‌های مدرن اندیشی، بنیان‌های سنتی را در سراسر جهان یک به یک هدف قرار می‌داد و جوامع انسانی را با داشته‌های فرهنگی و بضاعت معنوی خویش بیگانه می‌کرد، سنت گرایان پدید آمدند. سنتی که سنت‌گرایان می‌ساختند، همان سنتی نبود که مدرنیست‌ها از میان می‌بردند؛ مدرنیست‌ها، سنت‌های بومی و مذهبی سرزمین‌ها را هدف گرفته بودند و سنت‌گرایان، سنتی متفاوت را جایگزین می‌کردند: سنت بین‌المللی در برابر مدرنیسم بین‌الملل. هرچند که سنت گرایان با سنت‌های بومی و سرزمینی مخالفتی نداشتند، ولی این سنت‌ها را بازتابی از سنت جاودانه خویش می‌پنداشتند¹.